

تکفیر

نویسنده:

مسجد صفاتاج

پاییز ۱۳۹۷

سرشناسه: مجید صفاتاج، ۱۳۴۰
عنوان و نام پدیدآور: تکفیر / مجید صفاتاج
مشخصات نشر: تهران، آفاق روشن بیداری، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص، جدول.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۰۲-۷۵-۳
وضعیت فهرست نویسی: فیپا قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان
موضوع: کفر و کافران
موضوع: Kufr (Islam)
یادداشت: کتابنامه
رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۸۷۷/۲/۲۲۵BP
رده بندی دیویی: ۴۶۴/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۴۴۹۲۳



تکفیر ■ نویسنده: مجید صفاتاج ■ ناشر: آفاق روشن بیداری - تهران ۱۳۹۷

طراحی جلد: مرتضی سلمانی ■ چاپ اول: ۱۳۹۷ ■ شمارگان: ۵۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۰۲-۷۵-۳ ■ قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

خیابان سیلان شمالی، خیابان شهید آزادی، کوچه خالقی، بن بست شیخ

حسینی، پلاک ۱۰ - تلفن: ۸۸۱۱۰۵۱ - ۰۹۳۳۷۷۵۰۱۹۳

همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۲۱	فصل اول: ماهیت و حقیقت تکفیر
۲۵	ماهیت اسلام
۳۲	ماهیت و حقیقت کفر
۳۲	● تعریف کفر
۳۲	● مفهوم اصطلاحی کفر
۳۵	کفر از دیدگاه فقهی
۳۸	● کافر
۴۹	ماهیت تکفیر
۴۹	● تکفیر از لحاظ لغوی
۵۱	● اقسام کفر کافران
۵۳	فصل دوم: تکفیر در فرهنگ و بینش اسلامی
۶۰	قرآن مجید
۶۲	روایات و سیره عملی معصومین «ع»
۶۲	● پیامبر اسلام (ص)
۶۵	● ائمه معصومین «ع»
۷۶	فقها و علمای اسلام

۸۹	فصل سوم: ریشه‌ها و عوامل تکفیر مسلمانان
۹۲	استعمار
۹۷	ضعف‌ها و انحراف‌های اخلاقی
۹۷	● غرور و خودپسندی
۱۰۰	● تعصب مذموم
۱۰۲	● انتقام‌جویی و کینه‌توزی
۱۰۴	● سوءن و بدگمانی
۱۰۶	● مساد
۱۰۸	● پوشاندن نکات صفت خود
۱۱۰	● جهل و عدم آگاهی
۱۱۰	● عدم آگاهی اهل علم و نظر از مقصود و منظور و اصطلاحات یکدیگر
۱۱۴	● جهل متأثر از فضای اتم
۱۱۷	● جهل و عدم آگاهی نسبت به معارف اسلامی
۱۲۳	فصل چهارم: آثار منفی و پیامدهای زیاده‌بار تکفیر
۱۲۵	● مکثوم و مستور ماندن برخی مطالب علمی
۱۲۶	● انزوا و گوشه‌نشینی اندیشمندان و پژوهشگران و پروهای خلاق و مبتکر مفید
۱۲۷	● از بین رفتن روحیه تحقیق و عدم جسارت ارائه اندیشه‌های نو در عرصه فرهنگ و دانش
۱۲۷	● به وجود آمدن بحران‌های فکری و متراکم شدن سؤال‌ها و عقده‌های اعتقادی و رواج بی‌دینی در جامعه
۱۲۹	● ایجاد سلطه فرهنگی و فضای استبدادی در حوزه اندیشه و تفکر
۱۳۱	● سوء استفاده دشمنان
۱۳۲	● به وجود آمدن روحیه بدبینی در جامعه
۱۳۳	● هتک شخصیت افراد
۱۳۴	● سرخوردگی افراد از اسلام
۱۳۶	● حاکم شدن جمود فکری و بیماری خمود و ظاهرگرایی در جامعه
۱۳۸	● افزایش ابهام‌ها و گم شدن راه حقیقت
۱۳۹	● رشد نیروهای چاپلوس و تملق‌گو در جامعه

فصل پنجم: نمونه‌های تکفیر در میان مسلمانان	۱۴۳
● در زمان پیامبر اسلام «ص»	۱۴۵
● حضرت علی «ع»	۱۴۶
● سایر ائمه «ع»	۱۴۷
● قیام‌ها و نهضت‌های شیعی اصیل	۱۴۸
● شیعیان	۱۴۹
● دوستان: نامه «ع»	۱۵۷
● اشاعره و «رله»	۱۵۸
● حکما و فلاسفه اسلامی	۱۵۹
● مصلحان و پیشگامان «رله» استبداد	۱۶۲
● علما و بزرگان علم و دین	۱۶۵
● رهبران مذهبی مبارز	۱۷۳
● تجددخواهان و روشنفکران دینی	۱۷۹
● انقلاب اسلامی ایران	۱۸۴
● شیعیان پاکستان	۱۹۳
فصل ششم: امام خمینی «ره» الگو و اسوه‌ی مقاومت علیه تکفیر	۱۹۵
فصل هفتم: راه حل تکفیر	۲۱۱
دشمن‌شناسی	۲۱۵
شناساندن معارف اسلامی و تبیین دقیق مرزهای اسلام و کفر	۲۱۹
تهذیب نفس	۲۲۱
دفاع از تکفیر شدگان به ناحق	۲۲۹
شناخت زبان و مقاصد و اصطلاحات یکدیگر	۲۳۵
نتیجه	۲۳۷
فهرست منابع	۲۴۳

مقدمه

برخورد با اندیشه‌های مخالف خارج از چارچوب شریعت مقدس اسلام یکی از مسائلی بوده که در صدر اسلام توسط پیامبر گرامی اسلام «ص» و پس از ایشان توسط ائمه معصومین «ع» توجه جدی بدان می‌شد است. معصومین «س» همواره سعی می‌کردند تا در برخورد با مخالفان خویش و اندیشه‌های آنها هیچگاه از حالت اعتدال خارج نشوند. حتی پیروان خویش را نصیحت می‌کردند تا در برخورد با غیرمسلمانان به گونه‌ای عمل کنند که برای اسلام زینت باشند و نه ننگ و رسوایی.^۱ علی‌رغم تأکید پیامبر بزرگوار اسلام «ص» و ائمه هدی «ع» بر این مسأله، متأسفانه تاریخ گذشته ما مسلمانان، گویای حوادث غم‌انگیزی است که بر اثر تکذیب‌های نابجا و ایجاد جو مسموم، از پیشرفت و آزادی اندیشه‌های خلاق و مبتکر، جلوگیری به عمل آمد و اکثر جوامع اسلامی، به رکود فکری دچار شدند. کشمکش‌های فرقه‌ای و گروهی جایگزین صفا و صمیمیت گشت و این‌ها سبب شد، مجد و عظمتی که مسلمانان در سایه

۱. امام صادق «ع»: "کونوا لنا زیناً ولا تکنوا شیناً".

همبستگی و روحیه‌ی اخوت اسلامی به دست آورده بودند، از هم پاشیده شود و مسلمانان و اعضای این مجموعه، بی‌توجه به هلاکت خویش، به نابودی سایر اعضا مشغول گردند. برخی افراد از روی نادانی، و لجاجت، عناد، جهالت و تعصب‌های بی‌جا، تنگ نظری‌ها، خود محوری‌ها و یا تحرکات بیگانگان، از اسلام چنین می‌پنداشته‌اند که تمامی آنچه را که خود بدان اعتقاد دارند جزو اصول اعتقادی اسلام است و با ملاک کفر و اسلام دیگران قرارگیرد. در نتیجه، به جای برخورد صحیح و منطقی با آراء مخالف و پیشه کردن طریق استدلال و برهان، به حربه‌ی اتهام و تکفیر روی آورد، و کم‌چکترین مخالفت با عقاید خویش را با این حربه و چماق، پاسخ می‌داده‌اند. و حتی به این عمل خویش، به عنوان، نوعی از تعصب در دین و حمایت از آن افتخار می‌کردند. در چنین شرایطی بود که نصایح پیامبر گرامی اسلام «ص» فراموش شد؛ جنگ‌های خانمانسوز خن‌بین با نام دفاع از دین و مذهب برپا گردید و بحث‌های سطحی و غیرلازم، اصولی شمرده شد. ریک دیگری را بدعت‌گزار، کافر، ملحد و... قلمداد کرد و از تکفیر و لعن یکدیگر برای پیشبرد اهداف خود، استفاده کرد. یکی دیگری را رافضی خواند و آن یکی انگ ناصبی را بر شانی مخالف خود فرود آورد. بر سر این مشاجره‌ها و کشمکش‌ها و اختلاف‌ها، نه‌ها ریخته شد؛ سرها بر باد رفت؛ قلب‌ها جریحه‌دار شد؛ استعدادهایی بی‌هوده و در مسیرهای انحرافی مصرف شد؛ کتابخانه‌ها از بین رفت؛ آثار ارزنده و میراث گرانبهای گذشتگان، نابود شد. جو جمود حاکم گشت و افکار خلاق و ابتکارات علمی و فنی مهجور گردید.

در برخی جوامع اسلامی به‌ویژه جوامع مذهبی برخورد با اندیشه‌های مخالف و خارج از چارچوب اندیشه‌های حاکم و عدم تحمل آن تا جایی پیش رفت که گاهی اوقات به برخی اهل فکر و اندیشه هم سرایت نمود و آن‌ها هم با هرگونه تفکری که مغایر با اندیشه و تفکرشان بود شدیداً به مخالفت برمی‌خاستند و هرگز حاضر نمی‌شدند

آن (اندیشه مخالف) را تحمّل کنند. به ویژه در حوزه اندیشه و شریعت مقدّس اسلام که سلیقه و برداشت خود از دین را عین دین تلقّی می‌کردند و در صدد تلقین و تحمیل آن به جامعه و حتّی دیگر صاحبان اندیشه بر می‌آمدند و با استبداد رأی و نظر خود، علیه دیگر اندیشه‌ها و هرکس که مخالف نظر آن‌ها بود از حربه‌ی تکفیر و کارخانه‌ی مرتدسازی استفاده می‌کردند و بر هر اندیشه‌ای که در دایره فکری آن‌ها نمی‌گنجید خطّ بطلان می‌کشیدند و آن‌ها را به خروج از دین و ارتداد متهم می‌کردند یا رنگ التقاط و انحراف بر اندیشه‌هایشان می‌زدند. این وضعیت به گونه‌ای پیش رفت که با یک اظهار نظر درباره‌ی این که «فقه» را باید با توجه به حوادث زمان و نیازهای اجتماعی و تحولات آن مورد بررسی قرارداد و باب ایجاد سراسری اصول پیشینیان همچنان مفتوح است فوراً دستاویزی برای اختلاف و تفرقه‌ریزان و تکفیر کردن پیدا می‌شد. گاهی نیز موافق نشدن با یک عده و یا مخالفت با یک جمع مخالفت با اسلام و حوزه و فقاهاست، به شمار می‌آمد، آن چنان که گویی آن‌ها تمام اسلام و دین و فقاهاست هستند.

البته برخی از اینان اعتقاد داشتند که استفاده از حربه‌ی تکفیر و اتهام، در صورتی که برخاسته از هوئی و جاه‌طلبی باشد، درست نیست، اما برای دفاع از حق از هر وسیله‌ای، هر چند نامشروع، از جمله: تکفیر و تفسیق می‌توان استفاده کرد... این افراد می‌گویند: اگر هدف خدایی بود، دیگر وسیله فرق نمی‌کند که چه باشد هنگامی که راه نزدیکتر و سهل‌تر، برای دفاع از حق و هدایت دیگران وجود دارد، چه لزومی دارد که ما از راه‌های پر زحمت و مشکل، که بارنج و مشقت ما را به هدف می‌رساند، استفاده کنیم و به بیان دیگر وقتی می‌توان با تکفیر و تفسیق، با یک فکر انحرافی و خلاف حق به مقابله پرداخت و بطلان آن را برای همگان اعلام کرد، چرا وقت خویش را به اقامه‌ی برهان و استدلال تلف کنیم؟ برخی از این افراد برای مشروعیت کار خویش به بعضی روایات مبارزه با بدعت استدلال می‌کنند.

اینان برای مبارزه با اهل بدعت، چنین استفاده کرده‌اند که، دروغ گفتن جایز است و هر نسبتی را خواستید می‌توانید به آن‌ها بدهید، و هر دروغی که خواستید به آن‌ها ببندید. یعنی برای کوییدن بدعت که هدف مقدس است، از هر وسیله‌ای می‌توانید استفاده کنید. علاوه بر آن می‌گویند: آیاتی که در رابطه با جهاد و قتال با کفار و مشرکان وارد شده است دلالت بر این دارد که برای گسترش اسلام و دفاع از آن می‌توان حتی از سلاح زور، که بالاتر از تکفیر و تفسیق است، استفاده کرد.^۱

در اثبات این تکفیرها آن چنان جو اتهام و بدگمانی علیه اندیشمندان در جامعه به وجود می‌آید که صاحب اندیشه‌ای که حرف نویی برای گفتن داشت گوشه نشینی و عزلت را به جسارت در ارائه نظر خود در حوزه اندیشه ترجیح می‌داد تا از تبلیغات شوم این حربه ناجوان مرده و پیدادگر در امان بماند. یکی از دلایل این مسأله این بود که اصولاً جو اتهام و تکفیر در جامعه با هر نوعی رابطه سوء در برخورد و معاشرت است رابطه‌ای که در آن بدبینی و بدگمانی، در رکنه جایگزین گشته و رابطه بین افکار و آراء در جامعه بر بدترین پایه‌ها استوار است، به - ی این که بر منطق استدلال تکیه شود تا روح تفاهم و حقیقت جویی زنده گردد به چمن تکفیر و اتهام برای کوییدن طرف مقابل و اشباع روح تفوق طلبی روی آورده می‌شود.^۲

این واقعیت تلخ را متأسفانه در طول تاریخ اسلام شاهد بوده‌ایم به‌ویژه از دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس که کمتر شخصیت اندیشمند و مصلح و درد مند و فاضلی را می‌یابید که از جام تلخ تکفیر جرعه‌ای ننوشیده باشد. پس از آن نیز در دوران حکومت‌های طاغوتی و استبدادی روشنگری‌ای که ناشی از درد دین‌داری و طبق موازین اسلام و با تشخیص درست صورت گرفته باشد کم بوده است. در این دوران متأسفانه به بحث‌های

۱. نشریه حوزه، دی ماه ۱۳۶۵، شماره‌ی ۱۸، ص ۹۳.

۲. نشریه حوزه، شماره‌ی ۱۷، ص ۶۵.

عقیدتی و معارف اسلامی توجه کمتری شد و در عوض، بازار مباحث اصول الفقه رونق بیشتری پیدا کرد. به ویژه در قرن اخیر علما بیشتر به مسائل فقه و مباحث اصول الفقه پرداختند. ایشان تمام همّت خود را صرف کاوش در زوایای آن ها کردند به طوری که این دو علم به نحوی سابقه و شگفت انگیزی رواج تورم گونه پیدا کرد. کتاب های پرحجم در مجلدات بسیار در این دو علم نوشته شد. دورترین فروع و جزئی ترین مسائل زیر ذره بین قرار گرفت. و در این ابل و به نسبت معکوس بازار بحث های عقیدتی و معارف اسلامی کساد شد که هنوز هم^۱ فانه این حالت باقی است.^۱

اما مع الاسف، مادگ برای ورود در این مباحث (مسائل کلامی)، در دانشمندان دینی و محافل علمی کمتر دیده می شود. سده سده سرمایه های علمی، باز هم در همان دو رشته صرف می شود. نه چندان آشنایی با اسف، مکاتب نوظهور دیده می شود و نه برای رد و ایراد آن ها علاقه ای نشان داده می شود.

در این میان نسل جدید، یا به زندقه و الح کشیده می شود، یا حیران و سرگردان به دنبال آب حیات می دویند و نمی یافت. نسل کهن به اظهار تأسف و تأثر و احياناً انزجار و تنفر و لعن و نفرین قناعت می کرد و چاره ای نداشت^۲ و هرگز نمی گذشت تعدادی از شخصیت های اسلامی و اندیشمندان مصلح مورد طعن و تازین اسل کهن و بعضاً متحجر قرار می گرفتند و جرعه ای از جام زهر تکفیر به کامشان ریخته می شد تا جایی که شهید مطهری که خود نیز از جمله تکفیر شدگان است می گوید:

وقتی علی تکفیر بشود تکلیف دیگران روشن است. بوعلی سینا،
خواجه نصیرالدین طوسی، صدرالمتألهین شیرازی، فیض کاشانی،

۱. مقدمه آیت الله جنتی در کتاب آموزش عقاید، نوشته محمدتقی مصباح یزدی، سازمان تبلیغات

اسلامی، ج ۱-۲، ص ۱۴.

۲. پیشین، ص ۱۵.

جمال‌الدین اسدآبادی و اخیراً محمد اقبال پاکستانی از کسانی هستند که از این جام جرعه‌ای به کامشان ریخته شده است.^۱

متأسفانه در این میان، دشمنان اسلام بودند که سود بردند. چرا که در این صورت فقط مسلمانان تضعیف می‌شدند و آن‌ها می‌توانستند در سایه‌ی شوم این تکفیرها و کشمکش‌ها به اهداف شیطانی خود دست یابند. لذا استعمارگران و حکومت‌ها و قدرت‌های سلطه‌گر و استعماری نیز برای حاکمیت و سلطه‌ی سیاه خود بر جوامع اسلامی در راستای شعار کفر و همیشگی خود جدایی‌ی بینداز و حکومت کن به ایجاد جو ناسالم و تکفیر و بدبینی نسبت به شخصیت‌های اسلامی و اندیشمندان در این جوامع دامن زدند و آن را به مثابه سلاسل و انگ‌های از بین بردن اندیشه‌های مخالف خود و سرکوب شخصیت‌های متفکر و اصلاح‌گر و جنبش‌های آزادی‌بخش و نیز تضعیف مسلمانان به کار گرفتند و با اشاعه‌ی جو نفاق و بدبینی و تهمات در میان مسلمانان از حربه‌ی مذهب علیه مذهب یعنی تضعیف اسلام به وسیله‌ی خود اسلام استفاده کرده با شیوه‌هایی بسیار پیچیده به میدان آمده و از غفلت برخی علما و علمای زده و جهالت عوام با تکیه بر احساسات مذهبی‌شان و از افراد خائن و ضعیف‌النفس، عنوان عوامل داخلی در پیاده کردن برنامه‌های خود استفاده کردند.

شاید به لحاظ تأثیر حربه‌ی تکفیر در جوامع اسلامی، امتیازات آن برای استعمارگران و قدرت‌های سلطه‌گر اجنبی و وابسته به آن و نیز دست‌های واقعیت که حربه‌ی تکفیر عاملی است مخرب در دست افرادی شیطان‌صفت، و وابسته و مقدس‌نما که آلودگی آنان دامن بسیاری از جوامع اسلامی را گرفته و خطری مهلک برای مسلمانان به شمار می‌رود، حضرت امام خمینی (ره) همواره توجّهی ویژه به این مسأله

۱. مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه‌ی علی، انتشارات صدرا، ص ۱۶۷.

داشتند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز با ایجاد پیوند بین حوزه و دانشگاه به منظور تنویر افکار عمومی جامعه انقلابی ایران و روشن ساختن راه صاحبان قلم و اندیشه و جلوگیری از غلطیدن آن‌ها به وادی بی‌راهه و استبداد رأی و تکفیر دیگران در حوزه اندیشه و نیز هدایت آن‌ها به راه راست اسلامی و اسلام ناب محمدی فرمودند:

لما و روحانیان ان شاء الله به همه ابعاد و جوانب مسؤولیت خود آشنا هستند ولی از باب تذکر و تأکید عرض می‌کنم که امروز بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامیمان احساس می‌کنند که می‌توانند اندیشه‌های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند. با روش شاد و آغوش باز حرف‌های آنان را بشنوید و اگر بیراهه می‌روند با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست اسلامی را نشان آن‌ها دهید و باید به این نکته توجه کنید که نمی‌شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فوراً رنگ التقاط و انحراف بر نوشته‌هایشان زد و همان‌جا به وادی تردید و شک انداخت.^۱

معظم له در واکنش به کسانی که با طرفداری از دین و ولایت، دیگر اندیشه‌ها را اندیشه‌های التقاطی و صاحبان آن‌ها را بی‌دین معرفی می‌کنند در فراز دیگری از سخنانشان می‌فرمایند:

آمریکا و استکبار در تمامی زمینه‌ها افرادی را برای شکست انقلاب اسلامی در آستین دارند در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها مقدس‌نماها را که خطر

۱. از بیانات امام خمینی «قدس سره»، مورخه ۱۴/۴/۱۳۶۷ به نقل از: نشریه‌ی حوزه، شماره‌ی ۲۶، «اصول کلی و شیوه‌های عملی رسالت اجتماعی حوزه»، ص ۲۰.

آنان را بارها و بارها گوشزد کرده‌ام. اینان با تزویرشان از درون، محتوای انقلاب و اسلام را نابود می‌کنند این‌ها با قیافه‌ای حق به جانب و طرفدار دین و ولایت همه را بی دین معرفی می‌کنند. باید از شر این‌ها به خدا پناه ببریم.^۱

کتابی که در پیش روی دارید با عنایت به آیات قرآن مجید و روایات اسلامی و سیره معصومین (ع) و علمای اسلام به ویژه سیره و تصریحات بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) درباره ضرورت پرهیز از حربی تکفیر در جامعه اسلامی تدوین شده است. این کتاب شامل هفت فصل می‌باشد. در فصل اول؛ درباره ماهیت و حقیقت تکفیر بحث شده است. فصل دوم؛ به تکفیر در فرهنگ و بینش اسلامی اختصاص دارد. در فصل سوم؛ مسائل ریشه‌ها و عوامل حربی تکفیر به طور مختصر و گذرا مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد و عوامل عمده و اصلی وجود حربی تکفیر در جوامع اسلامی اشاره می‌شود. در فصل چهارم؛ آثار منفی و پیامدهای زیانبار تکفیر در جامعه بررسی می‌شود و سپس در فصل پنجم؛ نمونه‌های تکفیر در میان مسلمانان ذکر می‌گردد. در فصل ششم نیز بحثی تحت عنوان امام خمینی «ره» الگو و اسوه‌ی مقاومت علیه تکفیر بیان می‌شود. و فصل آخر؛ درباره تکفیر اختصاص دارد. در پایان کتاب نیز از مطالب مطرح شده نتیجه‌گیری می‌شود. امید است این کتاب بتواند گامی - هرچند کوچک - در راستای فضای آزاد کشور اسلامی ایران بردارد و بیش از پیش آن را سالم سازد تا در پرتو این بستر اندیشمندان مسلمان کشور بتواند اندیشه‌های خود را در موضوع‌ها و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند و علمای اسلام نیز با روی گشاده و آغوش باز حرف‌های آن‌ها را بشنوند و با بیانی آکنده از محبت و دوستی،

نظریات مخالف خویش را نقد کرده و فضای نقد سالم و افکار و اندیشه‌ها را فراهم سازند.

ان شاء الله

فروردین ماه ۱۳۸۰ شمسی

مجید صفاتاج

www.ketab.ir